

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

گزارشگر پورتال از کابل

کابل – ۱۴ اکتوبر ۲۰۰۸

گزارش از کابل

"آیا می شود گرسنه و بیکار زندگی کرد؟"

حمید یکی از کارگران افغانی

هفت سال قبل می توانستم لقمه نانی بیابم ؛ اما اکنون از بی کاری تقریباً محال است. این حرف غلام غوث یکی از کارگران سرچوک کوته سنگی می باشد، که بی صبرانه صبح وقت انتظار کارفرمایان را می کشد.

وی که قبلاً در زمین های قراردادی هلمند تریاک می کاشته است ، سال گذشته با "فریب" دولت مزارعش به امید "معیشت بدیل" خراب گردید. این کارگر که نان آور خانواده هشت عضوی می باشد می گوید که : "در هفته شاید یک روز" بتواند کاری به ارزش "دوصد افغانی" پیدا کرده و بقیه روزها شام "بدون هیچ دستاوردی" به خانه برمی گردد

در حدود دو کیلومتر به این سو عده ای از کارگران پاکستانی در بلاک های ساختمانی سرگرم کاراند . فاروق که سه سال قبل به تنهایی به کابل آمده بود می گوید تا حال سه تیم پنجصد نفری را از پاکستان به کابل آورده و همزمان پنج قرارداد ساختمانی دارد.

احمد رشید اجاره دار افغانی این پروژه با کش های عمیق سیگارش "نگرانی شدید" خویش را از "بی امنیتی" ، "افزایش بی سابقه قیمت مواد اولیه ساختمان" ، "بلندرفتن مالیات" نشان داده و علاوه می کند : "می خواهم مانند سایر سرمایه داران سرمایه ام را از افغانستان بکشم."

در امتداد سرک قریه – پولی تخنیک در بلاک های شرکت ساختمانی "ایسرنی زاده" باز هم کارگران پاکستانی مشغول برقکشی اند. سمیع نبی زاده دلیل عدم استخدام کارگران افغانی را چنین می گوید : "ظرفیت خوب کاری" ، "قیمت پایان کار" کارگران پاکستانی وی را وادار به استخدام آنها کرده است . "شریک ترکی این شرکت می گوید که از دو سال به این سو آنها "چهل و پنج درصد" سرمایه گذاریهای خویش را کاهش داده و در نتیجه شش صد تن را از کارشان سبکدوش کرده اند .

اما آیا واقعا "ظرفیت پایین کاری" افغانها می تواند یکی از علل بیکاری افغانها باشد؟

روبروی این شرکت "انستیتوت کار و حرفه افغان کوریا" با هدف "تربیه مسلکی نیروی کاری" افغانها با کمک وزارت کار و امور اجتماعی و دولت کوریا اساسگذاری شده است. عارف یکی از شاگردانی که سند فراغت را از رشته "برق کشی" گرفته است می گوید با وجودی که می تواند در با "ظرفیت و استاندارد خوب" با کارکنان پاکستانی رقابت کند ؛ اما شرکت های ساختمانی به نسبت معاش پایین اکثراً پاکستانی ها را استخدام کرده و افغانها بیکاری می مانند . وی علاوه می کند که باید دولت در صدد اشتغال زایی بوده تا بتواند از نیرو و ظرفیت آنها استفاده کرده و از میزان فقر و بیکاری بکاهد .

حال سؤال درینجاست که علت اصلی میزان بلند بیکاری به نظر وزارت کار و امور اجتماعی در چه بوده و عملاً چه تدابیری برای رفع و جلوگیری از روی نمودن افراد به کشت مواد مخدر اتخاذ کرده است؟
بنابر اظهارات سخنگوی این وزارت که آنها می‌کوشند تا با کمک انسیتیوت های حرفوی "ظرفیت نیروی کاری جوانان" را بلند برده و آنها را آماده رقابت با نیروی کار مهاجر رقابت نمایند. اما سؤال اینجاست که چرا جوان فارغ تحصیل این گونه مراکز (عارف) از آینده اش نگران است؟ وی جواب داد "وظیفه دولت نیست که روی پروژه ها سرمایه گذاری و اشغال زایی کند و دولت فقط ناظر و مالیه گیر فعالیت های شهروندان و شرکت های خصوصی می باشد."

با در نظر داشت طرح کلی برای جوانان ، این نهاد مشکل غلام غوث ۴۰ ساله و زارع کشت خشخاش را چگونه حل خواهند کرد؟ سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی گفت : "ما می خواهیم که از رشد کسب های ممنوعه جلوگیری کرده و کارگران را در شرکت های خصوصی به کار گمارند." اما "طبق قانون اساسی و قواعد بازار آزاد دولت حق مداخله در سرمایه گذاری ها را نه دارد و نه می تواند برای مردم با سرمایه شرکت های خصوصی کار راهم نماید."

حمید سی و چهار ساله که از صبح تا ساعت دوی بعد از ظهر در چوک بهارستان کارته پروان نتوانسته مشتری داشته باشد، می گوید : "تریاک نکاریم ، شورش ، انتحار و دزدی نکنیم ؛ اما آیا می شود که گرسنه و بیکار زندگی کرد؟"

در نهایت این سؤال از هفت سال به این سو بی جواب مانده است که چگونه و کی دولت خواهد توانست با اشتغال زایی از رشد روزافزون بیکاری ، فقر ، میزان حمایت مردم از کشت تریاک ، ، ورود بی قید و شرط کارگران خارجی و فرار سرمایه و نیروی انسانی به کشورهای خارجی جلوگیری کند ؟ و اینکه چه وقت حمید به نان و آبی خواهد رسید، نیز مسأله ایست که همیشه دولت مردان به آینده ها و فرصت بیشتر موکول می کنند .